

بِسْمِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ

قانون پار
حقوق بيم الملل
خصصے

مؤلفين: ايام كمرخانى - سعيد اميرخانى

انتشارات چتر دانش



- سرشناسه
- عنوان و نام پدیدآور
- مشخصات نشر
- مشخصات ظاهری
- شابک
- وضعیت فهرست نویسی
- موضوع
- موضوع
- موضوع
- شناسه افزوده
- رده بندی کنگره
- رده بندی دیویی
- شماره کتابشناسی ملی

کمرخانی، ایام، ۱۳۶۷ -
 قانون یار حقوق بین الملل خصوصی / مولفین ایام کمرخانی،
 سعید امیرخانی
 تهران: چتر دانش، ۱۳۹۳
 ۲۹۸ ص
 ۰۳-۰۳۱۶-۷۳۱۶-۶۰۰-۹۷۸-۰۳-۰
 فیپا
 دانشگاه‌ها و مدارس عالی -- ایران -- آزمون‌ها
 حقوق بین الملل خصوصی -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)
 حقوق بین الملل خصوصی -- راهنمای آموزشی (عالی)
 امیرخانی، سعید، ۱۳۷۰ -
 ۱۳۹۳ ق ۲ ک ۸ / LB۲۳۵۳
 ۳۷۸ / ۱۶۶۴
 ۳۳۶۷۹۸۲



- نام کتاب
- ناشر
- مؤلفین
- نوبت و سال چاپ
- شمارگان
- شابک
- قیمت

قانون یار حقوق بین الملل خصوصی
 چتر دانش
 ایام کمرخانی - سعید امیرخانی
 دوم- ۱۳۹۹
 ۱۰۰۰
 ۰۳-۰۳۱۶-۷۳۱۶-۶۰۰-۹۷۸-۰۳-۰
 ۶۵۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خم‌نیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.





سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند. این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصفی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش



تقدیم بہ
زحمکشان عرصہ علم
وکسانیکہ
انسانیت خود را بہ
نام و نان
نفر و خند.

فهرست

فصل اول: وضعیت بیگانگان ۹

- گفتار اول: درآمدی بر مبانی وضعیت بیگانگان ۹
- گفتار دوم: مبانی حقوق بیگانگان ۹
- گفتار سوم: اصولی از قانون اساسی و مواد قانونی مرتبط با بیگانگان ۲۲
- مواد قانون مدنی مرتبط با وضعیت بیگانگان ۲۹
- فصل اول: کلیات ۳۰
- فصل دوم: انواع گذرنامه ۳۰
- قانون گذرنامه مصوب ۱۳۵۱ ۳۰
- فصل سوم: گذرنامه‌های سیاسی و خدمت ۳۱
- فصل چهارم: گذرنامه عادی ۳۴
- فصل پنجم: همراهان ۳۵
- فصل ششم: اعتبار گذرنامه عادی ۳۶
- فصل هفتم: گذرنامه جمعی ۳۶
- فصل هشتم: پروانه گذر ۳۷
- فصل نهم: برگ گذر بیگانگان ۳۷
- فصل دهم: آیین‌نامه‌های اجرایی ۳۸
- فصل یازدهم: مجازات‌ها ۳۸
- قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۱۹ اردیبهشت ماده ۱۳۱۰ شمسی ۴۰
- آیین نامه اجرایی قانون ورود و اقامت اتباع بیگانه مصوب ۱۲ خردادماه ۱۳۵۲ ۴۵
- موادی از قانون کار در باب کار بیگانگان ۵۱
- آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۲۹ قانون کار ۵۳
- بند ج ماده ۱۱ قانون بخشی از مقررات مالی دولت ۵۶
- مواد مرتبط با قانون آیین دادرسی مدنی ۵۹
- آیین‌نامه پناهندگان مصوب ۱۳۴۲ ۶۱

۶۴ نظامنامه قانون تابعیت ایران مصوب ۱۳۱۴ و اصلاحات بعدی
۶۵ تصویب نامه راجع به الحاق تبصره به تصویب نامه شماره ۲۱۸۷۶ مصوب ۱۳۴۲
۶۸ مواد مرتبط با قانون مدنی
۶۹ آیین نامه چگونگی تملک اموال غیرمنقول توسط اتباع خارجی غیر قیم در جمهوری اسلامی ایران
۷۳ موادی از قانون تجارت
۷۳ باب پانزدهم: شخصیت حقوقی
۷۳ فصل اول: اشخاص حقوقی
۷۳ فصل دوم: حقوق و وظایف و اقامتگاه و تابعیت شخص حقوقی
۷۵ قانون ثبت شرکتها مصوب خرداد ۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی
 قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی تاریخ تصویب ۱۳۷۶/۸/۲۱، تاریخ تأیید
۷۸ شورای نگهبان ۱۳۷۶/۸/۲۸
۷۹ آیین نامه اجرایی قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی

۸۲ فصل دوم: تابعیت

۸۲ گفتار اول: اصولی از قانون اساسی مرتبط با تابعیت
۹۸ گفتار دوم: موادی از قانون مدنی مرتبط با تابعیت
۹۸ بند اول: تابعیت اشخاص حقیقی در ایران
۱۰۵ قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۹۸
۱۲۶ آیین نامه زناشویی بانوان با اتباع بیگانه غیر ایرانی مصوب ۱۳۴۵ هیأت وزیران
۱۳۳ نظامنامه قانون تابعیت ایران مصوب ۱۳۱۴ و اصلاحات بعدی
۱۳۴ تصویب نامه مربوط به اصلاح ماده ۲ نظامنامه قانون تابعیت مصوب ۱۳۴۰
۱۳۵ بند دوم: تابعیت اشخاص حقوقی در ایران
۱۳۸ تابعیت اشخاص حقوقی

فصل سوم: اقامتگاه ۱۴۱

فصل چهارم: تعارض قوانین ۱۵۱

- گفتار اول: کلیات تعارض قوانین..... ۱۵۱
- بند اول: مواد قانون مدنی مرتبط با کلیات تعارض قوانین..... ۱۵۱
- بند دوم: قلمرو تعارض قوانین و روش حل تعارض قوانین..... ۱۶۷
- بند سوم: مکاتب تعارض قوانین..... ۱۶۹
- بند چهارم: تعارض بین سیستم‌های حل تعارض..... ۱۷۴
- بند پنجم: اجرای قانون صلاحیتدار..... ۱۹۶
- گفتار دوم: تعارض قوانین در احوال شخصیه..... ۲۰۷
- بند اول: مواد قانون مدنی مرتبط با احوال شخصیه..... ۲۰۷
- قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲..... ۲۱۳
- قانون رسیدگی به دعوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی مصوب ۱۳۷۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام..... ۲۱۴
- بند دوم: سایر مواد قانون مدنی مرتبط با احوال شخصیه..... ۲۲۲
- گفتار سوم: تعارض قوانین در اموال..... ۲۳۲
- قانون راجع به اموال غیر منقول اتباع خارجی مصوب ۱۶ خرداد ماه ۱۳۱۰ شمسی..... ۲۴۱
- آیین نامه چگونگی تملک اموال غیرمنقول توسط اتباع خارجی غیر مقیم در جمهوری اسلامی ایران..... ۲۴۳
- گفتار چهارم: تعارض قوانین در اسناد و قراردادها..... ۲۵۴
- بند اول: قراردادها..... ۲۵۴
- بند دوم: اسناد..... ۲۵۸
- گفتار پنجم: تعارض دادگاهها..... ۲۶۸
- بند اول: مواد قانونی مرتبط با تعارض دادگاهها..... ۲۶۸
- بند دوم: بحث تفسیری تعارض دادگاهها..... ۲۶۹

بند سوم: صلاحیت بین المللی دادگاهها..... ۲۷۱

بند چهارم: آیین دادرسی در دعاوی مربوط به حقوق بین الملل خصوصی..... ۲۷۴

بند پنجم: شناسایی و اجرای احکام خارجی..... ۲۷۵

سوالات آزمون ارشد سراسری ۱۳۹۷..... ۲۸۶

پاسخنامه سوالات آزمون ارشد سراسری ۱۳۹۷..... ۲۸۸

سوالات آزمون ارشد سراسری ۱۳۹۸..... ۲۹۰

پاسخنامه سوالات آزمون ارشد سراسری ۱۳۹۸..... ۲۹۳

سوالات آزمون ارشد سراسری ۱۳۹۹..... ۲۹۶

پاسخنامه سوالات آزمون ارشد سراسری ۱۳۹۹..... ۲۹۸

فصل اول: وضعیت بیگانگان

گفتار اول: درآمدی بر مبانی وضعیت بیگانگان

در مقابل اتباع هر کشور افرادی مشاهده می‌شوند که تبعه آن کشور نبوده و بیگانه محسوب می‌شوند. این افراد اولاً: ممکن است تابعیت کشور دیگری را دارا باشند که به طور کلی ایشان را می‌توان در

نه دسته تقسیم بندی کرد:

۱- مهاجران

مهاجر کسی است که بدون گذرنامه و رواید مرتب، از راه مجاز و یا غیرمجاز به عنوان مهاجرت، به کشور ایران وارد شده باشد. (تصویب نامه راجع به اقامت اتباع بیگانه بدون گذرنامه)

۲- پناهندگان

به افرادی اطلاق می‌شود که به دلایل نژادی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی و یا اجتماعی، تحمل نظام حاکم بر کشور را نداشته و از ترس جان و مال خود و یا خانواده‌شان، به کشور دیگری پناهنده می‌شود. هرچند به این دسته از افراد، نام مهاجر نیز گفته می‌شود، به دلیل نظام خاص بین المللی حاکم بر جویندگان پناهندگی و التفاتی که سازمان ملل به این دسته از افراد دارد، این گروه متمایز از مهاجرین هستند.

۳- آوارگان

۴- جهانگردان و گردشگران

۵- دانشجویان

۶- بازرگانان

۷- خبرنگاران، عکاسان و اصحاب مطبوعات

۸- بیگانگانی که برای کار به کشور دیگری می‌روند.

۹- بیگانگانی که بدون کار یا شغل معین در کشوری مقیم هستند (جویندگان امکانات و تسهیلات).

ثانیاً: ممکن است فاقد تابعیت باشند.

در حقوق ایران اشخاص بیگانه بر دو نوع‌اند:

۱- اشخاص حقیقی

۲- اشخاص حقوقی

گفتار دوم: مبانی حقوق بیگانگان

حقوق بیگانگان مبتنی بر مبانی ذیل است:

- مقتضیات حقوق بین الملل عمومی

- رفتار متقابل
- آزادی ورود، عبور و اقامت بیگانگان
- قوانین داخلی هر کشور

۱- مقتضیات حقوق بین الملل عمومی و شناسایی حداقل حقوق برای بیگانگان
اکثر صاحب نظران بر این اعتقادند که حقوق بین الملل عمومی، اقتضاء دارد که دولت‌ها برای بیگانگان حداقلی از حقوق را بشناسند که البته این حداقل بسته به میزان و پیشرفت هر جامعه متغیر است. وردروس از کسانی است که کوشیده حقوق را در پنج اصل زیر نشان دهد:

اصل اول- دولت‌ها باید به اتباع بیگانه، حقوق خصوصی را که برای ادامه زندگی هر فردی لازم و ضروری است، اعطا کنند.

اصل دوم- دولت‌ها باید حقوق مکتسبه‌ای که بیگانگان بر طبق قوانین موضوعه کشور خود یا ثالث تحصیل نموده‌اند، محترم شمارند.

اصل سوم- دولت‌ها باید حقوقی را که لازمه احترام به شخصیت افراد است، از جمله آزادی شخص، احترام مسکن و آزادی رفت و آمد، برای بیگانگان بشناسند.

اصل چهارم- اتباع بیگانه باید حق مراجعه به دادگاه‌های کشوری را که در آن سکونت دارند، داشته باشند.

اصل پنجم- حمایت و حراست بیگانگان از اعمالی که موجب زیان مالی و جانی برای آن‌ها می‌شود، به عهده دولتی است که در خاک آن سکونت دارد.

نکته: امروزه پذیرفته شده که دولت‌ها هیچ الزامی به پذیرفتن شخص بیگانه، در خاک خود ندارند، اما به محض پذیرش باید حداقل حقوقی برای او بشناسند. در حقوق بین الملل، موارد زیر را می‌توان نمونه‌هایی برای شناخت حداقل حقوق برای بیگانگان دانست:

- ۱- شناخت و اعطای حقوق خصوصی که برای ادامه زندگی تبعه بیگانه ضروری است.
- ۲- معتبر دانستن و احترام به حقوق مکتسبه تبعه بیگانه، که بر طبق قوانین موضوعه کشور خود یا کشور ثالث تحصیل نموده است.
- ۳- حمایت و حراست از مال و جان تبعه بیگانه
- ۴- حمایت از اموال تبعه بیگانه متوفی و اقدام به تصفیه امور ترکه وی
- ۵- حفظ حیثیت تبعه بیگانه و جلوگیری از توهین و اهانت به وی
- ۶- امکان ایجاد اشتغال برای تبعه بیگانه حسب مقتضیات جامعه و دولت متبوع
- ۷- حق ترافع قضایی

درباره میزان حقوق اعطایی به بیگانگان، دو طرز تفکر در مقابل هم قرار دارند:
تفکر اول- تفکر فلسفی، اخلاقی و قضایی؛ مبنای حقوق بیگانگان در این سیستم، جنبه فلسفی و اخلاقی دارد. سوارز از طرفداران این نظر می‌گوید: شخصیت انسانی، صرف نظر از تابعیت او،

ایجاب می‌کند که در خارجه پاره‌ای مزایای حقوقی که لازمه زندگی بشر است استفاده کند و چنانچه دولتی، بیگانه‌ای که در خاک آن کشور اقامت گزیده را از این مزایا محروم کند، محققاً برخلاف اخلاق رفتار کرده است.

از قرن ۱۹ میلادی این طرز فکر که بیشتر جنبه رعایت حال عموم و صبغه لیبرالیستی (آزادگرایی) دارد به تدریج مبنای حقوقی پیدا کرده و رنگ لیبرالیسم (آزادگرایی) به خود گرفته است. بر مبنای این نظر، باید برای خارجی‌ها همان حقوقی را قایل شد که برای اتباع داخلی وجود دارد. تفکر دوم - تفکر سیاسی؛ این طرز تفکر بیشتر جنبه ملیت‌خواهی دارد. مبنای حقوق بیگانگان در این سیستم مصالح اساسی یک ملت می‌باشد و صرفاً یک مسئله اخلاقی یا حقوقی نیست. بر این اساس دولت‌ها باید در موقع تنظیم مقررات راجع به حقوق بیگانگان سه مسئله امنیت، منافع اقتصادی و مصلحت افزایش جمعیت را مدنظر قرار دهند که البته گاهی سه عامل مذکور با هم هماهنگ نیست و این امر خود وضعیت پیچیده‌ای را به وجود می‌آورد. در این سیستم، حقوق بیگانگان به محض تجاوز از حداقل به صورت یک امتیاز رخ می‌نماید و باید بر اساس وضعیت هرکشوری به صورت جداگانه مدنظر قرار گیرد. فلذا در این طرز تفکر، یک قاعده کلی برای حل مسئله بیگانگان موجود نیست و حقوق بیگانگان مبنای حقوقی ندارد، ولی باید منصفانه باشد.

۲- رفتار متقابل

رفتار متقابل به معنی آن است که برخورداری بیگانه از حقوقی معین در قلمرو یک دولت، منوط به آن است که در قلمرو دولت متبوع وی نیز، برای اتباع آن دولت همان حقوق، شناخته شده باشد. رفتار متقابل یک عمل اختیاری و مبتنی بر رعایت اصل نزاکت است و نمی‌تواند به صورت یک تکلیف و عمل الزام‌آور تلقی شود.

الف- دیدگاه‌های مختلف در مورد رفتار متقابل

- ۱- رفتار متقابل، منشاء وجود حق: بر این اساس، هر دولتی مکلف است حقوقی را که دولت دیگر برای اتباع او می‌شناسد، او هم برای اتباع آن کشور بشناسد. این دیدگاه امروزه کاملاً مردود است و هر دولتی مختار است که حقوق خارجی‌ها را تعیین نماید.
- ۲- رفتار متقابل، شرط وجود یک حق: گاه دولت‌ها بیگانگان را مطلقاً از داشتن حقوقی محروم می‌کنند و گاه اعطای آن حقوق را، مشروط بر شرایطی مثل شرط رفتار متقابل می‌نمایند. در این حالت، هیچ قاعده حقوقی حاکم نیست و عمل اعطاء حقوق به بیگانه، صرفاً مصلحتی است.

ب- انواع رفتار متقابل

رفتار متقابل بر چهار نوع است:

- ۱- رفتار متقابل سیاسی (قراردادی / معاهده‌ای): به وسیله یک معاهده یا قرارداد سیاسی برقرار می‌شود و در این صورت اتباع کشورهای عضو معاهده در کشورهای متعاقد، از حقوق مندرج در معاهده بهره‌مند می‌گردند.
- ۲- رفتار متقابل قانونی (قانونگذاری): آن است که شرط رفتار متقابل در قانون آمده باشد. قانونگذار

برخورداری از حقوق معینی را برای بیگانه منوط به شناختن همان حق در نص صریحی از قانون مملکت متبوع بیگانه بداند. این نوع رفتار متقابل فقط در روابط کشورهای دارای قوانین مدون، قابل اجرا می‌باشد و انعطاف و استحکام‌اش از نوع قبلی بیشتر است.

۳- رفتار متقابل عملی (مبتنی بر عرف، عادت و رویه قضایی یا اداری): منظور این است که اتباع بیگانه عملاً از یک سلسله حقوق، طبق عرف و عادت و رویه قضایی و اداری در قلمروی دولتی برخوردار می‌شوند و دولت‌های متبوع آن‌ها نیز همین حقوق را به طور متقابل برای اتباع آن دولت به مورد اجرا درآورند، این نوع رفتار متقابل فوق العاده انعطاف‌پذیر بوده و احتیاجی به قانون ندارد.

۴- رفتار متقابل بر اساس شرط دول کامله‌الوداد گاهی نیز ممکن است که دولتی در برابر دولت متعاقد دیگر متعهد شود که حداکثر حقوقی را که آن دولت در موردی معین، برای اتباع دولتهای ثالث از قبل شناخته و یا بعد از آن خواهد شناخت، برای اتباع دولت متعاقد نیز قایل شود که به این عمل شرط دولت کامله‌الوداد می‌گویند. بدین صورت که وقتی دولت الف با دولت ب معاهده‌ای منعقد می‌نماید، قید می‌شود چنانچه در هریک از کشورهای الف و ب به موجب معاهداتی برای اتباع دول ثالث حقوقی، بیش از میزان مقرر در معاهده پیش‌بینی شده باشد، اتباع دول الف و ب در قلمرو یکدیگر از همان حقوقی که برای سایر بیگانگان در نظر گرفته شده است، متمتع خواهند شد. حال چنانچه شرط مذکور به صورت شرط رفتار متقابل درج شود، بدین نحو که ذی‌نفع هنگامی بتواند به آن شرط جهت مطالبه حقوق اتباع خود استناد کند که آن حقوق را، برای اتباع دولت مقابل نیز شناخته باشد، آن را شرط دول کامله‌الوداد مشروط می‌نامند.

در مباحث مربوط به وضعیت بیگانگان، بحث از اینکه بیگانه از کدام حقوق بهره‌مند و از کدام تکالیف معاف است اهمیت دارد که بطور کلی این حقوق و تکالیف را در سه دسته زیر تقسیم بندی می‌کنند:

دسته اول- حقوق و تکالیف سیاسی

حقوق سیاسی آن دسته حقوقی است که فقط به اتباع داخلی تخصیص داده شده و بهره‌مندی از آن براساس وصف تابعیت می‌باشد. بیگانگان به‌طور کلی اعم از اشخاص حقوقی و حقیقی، از این حقوق محروم می‌باشند و در قوانین ایران هم این مسئله رعایت شده است.

اهم حقوق سیاسی که بیگانگان از آن محروم‌اند:

الف- مشاغل سیاسی انتخابی (دولتی): بیگانگان به‌طور کلی از انتخاب شدن و انتخاب کردن محروم می‌باشند. از جمله این محدودیتها، درج شرط تابعیت برای انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان مجالس مقننه و شوراهای شهر می‌باشد. مضافاً اینکه ایشان نمی‌توانند شغل رسمی دولتی یا قضایی داشته باشند.

ب) مشاغل عمومی انتخابی (غیردولتی): اتباع بیگانه نمی‌توانند در هیچ مجمع یا هیأت مربوط به حقوق عمومی ایران انتخاب شوند. (مثل عضویت اتاق بازرگانی)

ج) مشاغل ملحقه به مشاغل دولتی: شغل وکالت دادگستری، سردفتری و دفتریاری نیز برای بیگانگان ممنوع است.

اهم تکالیف سیاسی که بیگانگان از آن معافند به شرح زیر است:

- ۱- نظام وظیفه: به عنوان مهم‌ترین تکالیف سیاسی منحصر به اتباع ایران است و بیگانگان از انجام آن معاف هستند.
- ۲- مالیات‌ها: اصل بر تشابه کامل اتباع خارجه و داخله در پرداخت مالیات است. با این وجود بر این اصل استثنائاتی به وسیله معاهدات وارد شده است و اتباع خارجه از پرداخت مالیات‌های ذیل معاف می‌باشند:
- اول- مالیاتی که اتباع خارجه در عوض نظام وظیفه پرداخت می‌کنند و یا مالیات‌هایی که برای جنگ مقرر می‌شود.
- دوم- فرضه‌های اجباری که دولت از اتباع خارجه درخواست می‌کند.

دسته دوم- حقوق و تکالیف عمومی

حقوق عمومی مجموعه حقوقی هستند که بهره‌مندی از آن‌ها، بستگی به سازمان‌های قانونی حقوق عمومی دارد و به منظور احترام به شخصیت انسان وضع شده‌اند. در حقوق بین الملل اصل بر تمتع بیگانگان از این حقوق است و در مقررات ایران، فصل سوم قانون اساسی به عنوان حقوق ملت، ناظر به همین حقوق است.

مهم‌ترین موارد حقوق عمومی مندرج در مقررات ایران را، می‌توان به قرار ذیل دسته‌بندی نمود:

الف) اشخاص حقیقی

- ۱- حمایت جان و مال اتباع بیگانه: طبق اصل ۲۲ قانون اساسی ایران، بیگانگان از حیث جان و مال در حفظ و امان هستند؛ بدیهی است این حمایت شامل اموالی می‌شود که بیگانگان اهلیت تمتع آن را دارند؛ بنابراین در مورد اموال غیر منقول چنین حمایتی وجود ندارد.
- ۲- احترام به منزل و مسکن بیگانه: این حق نیز صراحتاً در اصل ۲۲ قانون اساسی برای همه شناخته شده و در اغلب عهدنامه‌ها هم آمده است.
- ۳- حق ورود، عبور، توقف، اقامت و خروج اتباع بیگانه: در این مورد دو طرز تفکر وجود دارد: اول- تفکر اخلاقی (آزادی مطلق قبول بیگانه): طرفداران این عقیده معتقدند که دولت‌ها نمی‌توانند به دلخواه خود، از ورود و اقامت بیگانگان در کشورشان جلوگیری کنند و یا این حق را محدود نمایند.
- دوم- تفکر سیاسی (محدودیت قبول بیگانه): مطابق این نظر، دولت‌ها در تنظیم مقررات مربوط به ورود و اقامت بیگانگان در خاک کشور خود آزادی کامل دارند و تا زمانی که معاهده‌ای تنظیم نکرده‌اند، هیچ کشوری مجبور نیست که بیگانگان را در خاک خود بپذیرد. امروزه در حقوق بین الملل اصل بر آزادی ورود و اقامت بیگانگان می‌باشد ولی هر کشوری می‌تواند محدودیتها و شرایطی برای این امر قایل شود.
- ۴- حق ترافع قضایی (رجوع به محاکم ایران): قایل شدن حق برای اشخاص بیگانه باید ضمانت اجرایی نیز در پی داشته باشد. حق مراجعه به محاکم قضایی، ضمانت اجرای حقوق بیگانگان

می‌باشد. در همین راستا اصل ۳۴ و ۳۵ قانون اساسی ایران در مورد حق دادخواهی و حق انتخاب وکیل، به طور عموم شامل تمام کسانی که در قلمرو ایران هستند می‌شود. همچنین ماده ۵ قانون مدنی ایران بیان می‌دارد: کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و یا خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده است. به علاوه صلاحیت محاکم ایرانی، از امور مربوط به نظم عمومی بوده و قواعد آن طبق قانون ایران تعیین می‌شود. لازم به ذکر است که به موجب مواد ۱۴۴ تا ۱۴۶ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، محدودیت‌هایی بر این حق وارد شده تا اتباع بیگانه دعوی بی اساس علیه اتباع ایران اقامه نکنند و یا در صورت چنین اقدامی، پرداخت خسارات به طرف ایرانی ممکن باشد. سه فرض برای تشخیص وضعیت بیگانگان در محاکم ایران متصور است:

اول- مدعی و مدعی علیه هر دو بیگانه‌اند: محاکم ایران در این حالت، صلاحیت رسیدگی به دعوی بین اتباع بیگانه را دارند.

دوم- مدعی یا شخص ثالث بیگانه و مدعی علیه ایرانی است: در این حالت شخص ایرانی می‌تواند درخواست اخذ تأمین کند که تأمین با در نظر گرفتن خسارات احتمالی و با نظر دادرسی تعیین می‌شود و تا زمانی که تأمین پرداخت نشده، محاکمه متوقف می‌ماند.

سوم- مدعی ایرانی و مدعی علیه بیگانه است: در این حالت تبعه بیگانه نمی‌تواند از طرف ایرانی درخواست اخذ تأمین نماید.

۵- حق اشتغال حرفه، صنعت و یا تجارت (آزادی مشاغل): اصل بر این است که اتباع بیگانه می‌توانند در ایران به هر تجارت، صنعت و حرفه‌ای جز آنچه قانوناً منحصراً به اتباع داخله یا در انحصار دولت است، اشتغال ورزند. این حق معمولاً در معاهدات منعقد شده بین ایران و سایر کشورها برای اتباع طرفین به رسمیت شناخته شده است. مقررات مربوط به کار بیگانگان در ایران، در قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام از ماده ۱۲۰ به بعد پیش بینی شده است. به موجب این قانون، اشتغال به کار هر بیگانه در ایران، منوط به دریافت پروانه کار، از وزارت کار و امور اجتماعی است، همچنین کارفرمایان ایرانی مکلفند قبل از اقدام به عقد هرگونه قراردادی که موجب استخدام کارشناسان بیگانه شود، نظر وزارت کار و امور اجتماعی را استعلام نمایند.

ب) اشخاص حقوقی

۱- حق ابراز فعالیت: برای اینکه شرکت‌های خارجی بتوانند در ایران شعبه یا نماینده داشته باشد و فعالیت کنند باید اولاً: در مملکت خود مطابق قانون به وجود آمده باشند. ثانیاً: در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشند.

۲- حق احترام به محل شرکت‌ها و دفاتر و اوراق حسابداری آن‌ها: این حق عموماً در معاهدات مورد شناسایی و تأکید قرار گرفته است.

۳- حق ترافع قضایی: اشخاص حقوقی بیگانه باید حق داشته باشند در محاکم ایران اقامه دعوا کنند یا طرف دعوا واقع شوند بدیهی است این حق با رعایت کامل مقررات ایران امکان‌پذیر خواهد بود.

دسته سوم - حقوق خصوصی

حقوق خصوصی امتیازی است که هر شخص در برابر دیگران دارد، مانند حق مالکیت، حق ابوت و بنوت، حق شفعه و حق انتفاع. با توجه به ماده ۹۶۱ قانون مدنی، اصل بر این است که بیگانگان در ایران از کلیه حقوق مدنی برخوردار می‌باشند، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده است. صرف‌نظر از موارد فوق، بیگانه اصولاً از کلیه حقوق مدنی برخوردار می‌باشد. این حقوق را می‌توان به چهار دسته ذیل تقسیم کرد:

۱- حقوق خصوصی که صراحتاً در قوانین برای اتباع بیگانه آمده است. در این مورد می‌توان به حق اجرای عقد ازدواج بیگانه به وسیله مأمورین سیاسی و کنسولی دولت متبوعه خود، در ایران اشاره کرد. ماده ۹۷۰ قانون مدنی در این خصوص مقرر می‌دارد: مأمورین سیاسی یا کنسولی دول خارجه در ایران، وقتی می‌توانند به اجرای عقد نکاح مبادرت نمایند که طرفین عقد هر دو تبعه دولت متبوع آن‌ها بوده و قوانین دولت مزبور نیز این اجازه را به آن‌ها داده باشد. در هر حال، نکاح باید در دفاتر سجل احوال ثبت شود.

۲- حقوق خصوصی که بیگانگان به موجب قانون ولی با شرط رفتار متقابل سیاسی (در حد معاهدات) از آن برخوردار می‌شوند. این حقوق مربوط به احوال شخصیه است. ماده ۷ قانون مدنی در این مورد مقرر می‌دارد که اتباع خارجه مقیم در خاک ایران از حیث مسایل مربوط به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه در حدود معاهدات، مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود. اصل رسیدگی به احوال شخصیه بیگانگان طبق قوانین دولت متبوع آن‌ها استثنائاتی به شرح ذیل دارد:

- نظم عمومی

- احاله

- نسب

- اهلیت

- اشخاص بدون تابعیت

- اختلاف تابعیت در روابط شخصی و خانوادگی

۳- حقوق خصوصی که بیگانگان به موجب قانون، ولی به شرط رفتار متقابل اعم از قانونی یا سیاسی یا عملی از آن بهره‌مند می‌شوند.

۴- حقوق خصوصی که بیگانگان به موجب معاهدات از آن بهره‌مند می‌شوند. مهم‌ترین این حقوق، حق مالکیت اموال غیرمنقول است. ماده ۸ قانون مدنی در این مورد مقرر می‌دارد: اموال غیر منقول که اتباع خارجه در ایران بر طبق عهود تملک کرده و یا می‌کنند، از هر جهت تابع قوانین ایران خواهد بود.

اشخاص حقوقی بیگانه در همان حدودی که اشخاص حقیقی از حقوق خصوصی بهره‌مند می‌شوند، از این حقوق حق تمتع دارند، مگر اینکه با طبیعت آن‌ها مخالف باشد، مانند حقوق ابوت و بنوت و امثال آن.

۳- آزادی ورود، عبور، اقامت بیگانگان:

انسیتیتو حقوق بین الملل در سال ۱۹۲۹، موضوع « آزادی خروج از کشور» را به عنوان یک حق برای اتباع خارجی، به دولت‌ها توصیه کرده است. حق در کنوانسیون‌های بعدی سازمان‌های بین‌المللی، نظیر جامعه ملل و سازمان ملل متحد نیز مورد تأکید قرار گرفته است. ایران به عنوان یکی از کشورهای امضاء کننده «کنوانسیون وضع پناهندگان و پروتکل آن»، بر اساس ماده ۲۶ این کنوانسیون، حق رفت و آمد و عبور را برای اتباع خارجی به رسمیت شناخته است. با این وجود نباید فراموش کرد که رفت و آمد و اقامت در هر کشوری، من جمله ایران، تابع قوانین مرتبط با نظم عمومی است. اتباع خارجی ملزم به رعایت تشریفات تعیین شده از سوی ایران برای ورود و اقامت هستند و تنها مأموران کنسولی و نمایندگان سیاسی و بیگانه و افراد خانواده آن‌ها به شرط عمل متقابل، از این تشریفات معاف خواهند بود.

ماده ۱ قانون «ورود و اقامت اتباع بیگانه» اذعان می‌دارد که هریک از اتباع خارجه برای ورود و اقامت و خروج از ایران باید اجازه مأمورین مربوطه ایران را تحصیل نمایند. بدیهی است که عدم رعایت این قانون یعنی ورود و اقامت غیرقانونی، باعث اعمال قوانین تنبیهی و اخراج اتباع خارجی از کشور خواهد شد.

طبق ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون ورود و اقامت اتباع بیگانه مصوب خرداد سال ۱۳۵۲ «صدور رویداد عبور برای اشخاص زیر، موقوف به تحصیل اجازه خاص از وزارت امور خارجه خواهد بود:

الف: افراد بدون تابعیت و یا دارندگان برگ (لسه پاسه) های خارجی.

ب: اتباع دولی که از طرف وزارت امور خارجه تعیین می‌شوند.»

۴- قوانین داخلی هر کشور:

در حقوق داخلی، چه شاخه حقوق عمومی، چه شاخه حقوق خصوصی، روابط حقوق و قواعد حاکم بر آن‌ها در چارچوب یک دولت معین و حاکمیت ملی خاص مورد توجه قرار می‌گیرد. به گونه‌ای که همه عوامل مؤثر در شکل‌گیری و اجرای قاعده‌ی حقوق داخلی و ملی است. یعنی واضح قاعده، قانون‌گذار کشور است، طرفین رابطه‌ی حقوقی، اتباع همان دولت‌اند و رابطه حقوقی نیز در داخل کشور تحقق می‌یابد، ولی برخی روابط حقوقی، در چارچوب یک دولت معین نمی‌گنجد بلکه در آن دست کم یک عنصر خارجی (غیرملی) نقش دارد. مثلاً ممکن است قاعده‌ی حقوقی به جای اراده یک دولت، برآمده از توافق اراده دو یا چند دولت مستقل (معاهدات دو یا چند جانبه) یا اراده مشترک چند دولت باشد یا طرفین رابطه حقوقی، اتباع دو کشور مختلف باشند یا در اجرای رابطه‌ی حقوقی عامل خارجی مؤثر باشد. حقوق بین‌الملل متکفل بحث در همه‌ی مواردی است که رابطه‌ی حقوقی و قاعده‌ی حاکم بر آن حداقل به دو دولت ارتباط می‌یابد.

.....

.....